

# محمد اسماعیل حاجی علیان، نویسنده و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «ایران» درباره جواز ادبی و جایگاه داستان نویسی معاصر می‌گوید

## درهای بسته دانشگاه به روی ادبیات داستانی

### تقویت سبب دانایی خانواده‌ها در گرو کتاب و کتابخوانی است

علی‌الله سلیمی  
نویسنده و منتقد ادبی

محمد اسماعیل حاجی علیان، نویسنده و استاد دانشگاه، متولد ۱۳۵۹ سنکسر استان سمنان است. وی فارغ‌التحصیل ارشد حفاظت و مرمت اشیاء تاریخی و فرهنگی از دانشگاه هنر است و نویسنده‌ی راه‌به‌صورت حرفه‌ای از سال ۱۳۸۴ شروع کرده است؛ با داستان کوتاه و بعد به نوشتن نمایشنامه و فیلم‌نامه و رمان پرداخته است. حدود صد داستان کوتاه نوشته که بیشترشان در جشنواره‌های ادبی حائز رتبه و مقام شده‌اند و منتخب آنها در مجموعه داستان‌هایی مانند «قریونی»، «آدمک چوبی، سوت بلبلی»، «اگه زنش بشم می‌تونم شمر رو بیفل کنم»، «سی و یک روز پنج انگشت» و «ساعت دنگی» تاکنون چاپ شده است. همچنین رمان‌های «سمفونی بایونه‌های سرخ»، «مقام گورخانه» و «چهار زن» از کتاب‌های قابل توجه این نویسنده است. از دیگر آثار محمد اسماعیل حاجی علیان می‌توان به کتاب‌های «ایوار»، «بیداری»، «آتون نامه»، «ایران‌شاه»، «اپرای مردان سیبل استالیانی»، «نیستدر جهان»، «پاپیلو»، «دختری با روسری سرخ در پنجره روبه‌رو»، «می‌نار» اشاره کرد. آثار حاجی علیان در جشنواره‌های ادبی مختلف مانند: داستان کوتاه رضوی «کیبوتر حرم»، شعر و داستان جوان فلک الافلاک خرم آباد، قصص قرآنی، بالاتر از زلالی (ایثار و شهادت)، داستان «مهر» همدان، چهارمین دوره جایزه ادبی یوسف، هفتمین دوره جایزه ادبی اصفهان، اولین دوره جشنواره وقف، چشمه همیشه جاری و جشنواره لیاسی برای فرشته «حجاب و عفاف» برگزیده شده است. سال گذشته (۱۴۰۰) هم کتاب «ساعت دنگی» این نویسنده در چهاردهمین دوره جایزه ادبی «جلال آل احمد» به عنوان اثر شایسته تقدیر اعلام و از آن تقدیر شد. گفت‌وگوی امروزمان را درباره آثار محمد اسماعیل حاجی علیان و نگاهش به ادبیات، کتاب و کتابخوانی می‌خوانید.

■ کتاب «ساعت دنگی» از تازه‌ترین نوشته‌های شما به‌شمار می‌آید که موفق به کسب عنوان شایسته تقدیر جایزه ادبی جلال آل احمد هم شده، از تأثیر برپایی جواز ادبی بگویید بر ادبیات داستانی و کتاب‌نویسندگان.

اول اینکه که تشکر می‌کنم از داوران محترم بخش‌های مختلف جایزه ادبی جلال آل احمد که کتاب «ساعت دنگی» را خوانده و به آن اقبال نشان دادند. از هادی خورشاهیان و خسرو پایاخن و یوسف قوچق که سه داور نهایی بوده‌اند و همچنین هیات علمی و برگزارکنندگان جایزه که به این اثر نگاه ویژه کردند. اما دو سه نکته‌ای در این میان هست که دوست دارم مطرح کنم. اول اینکه من خیلی پیش‌تر از این‌ها منتظر جایزه ادبی جلال آل احمد بودم. به واسطه اینکه به زعم خودم به خاطر تلاشی که برای ارائه روایت‌های متفاوت در داستان‌هایی که برایشان زحمت کشیده بودم و به نظر می‌آمد که باید در این جایزه دیده می‌شد و در سال‌های گذشته به واسطه دلایل مختلف دیده نشده بود. موقعی که کتاب «چهار زن» در آمد منتظر جایزه ادبی جلال آل احمد بودم. بعدش وقتی «اپرای مردان سیبل استالیانی» منتشر شد و بعد وقتی «نیست در جهان» منتشر شد و حتی بعد که «بیداری» منتشر شد و همچنین «آتون نامه»

که جایزه قلم زرین را برده بود در داوری‌های جایزه ادبی جلال آل احمد نیامد. در میان آثار من، تعداد کارهایی که قبل از چاپ جایزه نداشتند و من محمد اسماعیل حاجی علیان پیش‌تر از این‌ها منتظر دریافت این جایزه بودم. نمی‌دانم شاید دریافت این جایزه رصد کنیم کل جایزه ادبی جلال آل احمد را شاید این حرف و برداشت من درست در بیاید. در بخش رمان این جایزه اگر دقت کنیم چند برگزیده شهرستانی می‌بینیم؟ مگر در معهود مواردی مثل اثر مریم جهانی، هر چند همه آنهایی که جایزه گرفته‌اند اصالتاً شهرستانی هستند. این به نظر می‌آید که بخش‌هایی است که در سیاست‌گذاری باید بررسی شود. در بخش داستان کوتاه هم شرایط تقریباً همین است البته به جز چند مورد استثنایی مثل انتخاب محمد کشاورز از شیراز.

■ به نظر خودتان می‌شود این‌طور مسأله را بیان کرد که شما اوخاخر سال قبل با کسب جایزه ادبی جلال آل احمد به نوعی مزد بخش‌ی از فعالیت‌های چندین ساله خود در این حوزه را دریافت کردید؟

جوابی همچون جلال آل احمد قرار نیست به عنوان ثمره تلاش چندین ساله یک نویسنده باشند. قرار بوده از بین آثار ادبی که در یک سال منتشر شده در هر بخش اثری به عنوان برگزیده انتخاب شود. اما چه می‌شود که داوران محترم و برگزارکنندگان می‌آیند در کمال خونسردی و با آرامش کامل می‌گویند از بین همه آثار منتشر شده هیچ کدام حائز رتبه نازیده نیست به نویسنده‌هاست، چرا که اگر نویسنده شایسته نبوده پس چرا اثرش تا این مرحله بالا آمده است. به نظر خودم، واقعاً نمی‌شود گفت من ثمره سال‌ها تلاش در حوزه نویسندگی را گرفته‌ام. من مثلاً ۱۸ سال شبانه‌روزی پشت سر هم تلاش کرده‌ام. خوب وظیفه من است به عنوان نویسنده کاری را که پیشه کرده‌ام و دارم عشق می‌کنم با ادبیات برایش زحمت بکشم بالطبع این اتفاق هم می‌افتد. تا به امروز ۲۲ عنوان از کتاب‌های من منتشر شده و چند عنوان دیگر هم آماده چاپ است که در سال‌های آینده منتشر می‌شود اما آیا این جایزه‌ای که به من تعلق گرفته برای جبران زحمات‌های من به عنوان یک نویسنده است؟ به نظر من این اطلاق درستی

ایرانی‌گرایی پیدا می‌کنند و این حمایت به سود همه است؛ هم ناشر هم نویسنده و هم مخاطب.

■ بازگردیم سراغ تازه‌ترین نوشته‌تان، کتاب «ساعت دنگی» چه جایگاهی در بین مجموعه کتاب‌های داستانی شما دارد و ویژگی خاص آن را در چه می‌دانید؟

به نظرم یکی از ویژگی‌های خاص ساعت دنگی، همین مدل روایت تریلوزی یا سه‌گانه آن است که به حال به این شکل در روایت‌های داستانی ایرانی نداریم. چنین شیوه نگارشی، آن هم در این سطح یک زور آزمایی تکنیکی خیلی خوب برای خودم بود که امیدوارم مخاطبان هم آن را بپسندند. هر چند تا جایی که بازخوردهای این کتاب را دریافت کرده‌ام به نظر می‌رسد مخاطبان خاص آن را پسندیده‌اند ان شاءالله مخاطبان عام و کتابخوان‌ها هم آن کار را بپسندند. اما آیا من ساعت دنگی را مستحق این جایزه می‌دانم، بله. به نظرم ساعت دنگی حتی باید برگزیده این جایزه می‌شد و شایسته تقدیر بودن کمی کم‌لطفی به این کتاب است. درباره ویژگی کتاب «ساعت دنگی» هم بگویم که این مجموعه ۹ تریلوزی درباره زن و زمان و زمانه است. زن ایرانی و گونه‌های مختلفی از او را در این اثر می‌بینید. زن ایرانی برای من مهم است و تلاشم بر این است روایت‌های متفاوتی از تقدیر زنان سرزمینم بدهم، شاید تقدیر برخی‌ها تکراری است، اما سعی کرده‌ام شیوه روایت نو باشد. موضوع زن از حداقل از غم‌نان آن سالش رهایی پیدا کند.

■ کسب جواز معتبر دولتی و خصوصی داخلی چه تأثیری در سرنوشت یک کتاب، در ابعاد مختلف بر جای می‌گذارد؟

انتخاب شدن کتاب در جواز ادبی مختلف منجر به ورود این آثار به محافل علمی و مجامع تخصصی و مجامع دانشگاهی و کتابخانه‌ها و مراکزی که با کتاب و کتابخوانی در ارتباط هستند خواهد شد. از گذشته هم این چنین بوده و این نوع موفقیت‌های ادبی برای یک کتاب رمز ورود به فضاهای جدی‌تر ادبیات خواهد بود. در مجموع، تأثیر بسیار به‌سزایی در رشد و توسعه فرهنگ کتاب و کتابخوانی در بخش‌های مختلف و جدی‌تر نشان می‌دهد. زن قربانی معاصر، زن سیاست

پیش‌تری می‌تواند شمر ثمر باشد. به همین خاطر است که هم تلاش می‌کنم مستمر در فضای چاپ و نشر باشم که مخاطب بتواند قدرت انتخابش را روی آثارم داشته باشد و هم از فضاها و کرانه‌های مختلفی که به واسطه حضور ناشران مختلف ایجاد می‌شود برای جذب مخاطب استفاده کنم.

■ یکی از رمان‌های شما با عنوان «می‌نار» به پیشینه و زندگی یکی از شهدای غواص عملیات کربلای پنج می‌پردازد. قدری در هم‌رسانه این رمان بگویید.

داستان «می‌نار» تخیل برپایه واقعیت‌های جامعه ما است. کاری در سال‌های گذشته با عنوان «سمفونی بایونه‌های سرخ» از سوی

نوشته شده و یک کلان‌پروژه ذهنی من است برای اینکه در سال‌های آینده هم بتوانم زبان اقلیت‌های کشورم باشم. این ویژگی انگیزه اصلی روایت می‌نار برای من بود. به نظر من، دو تا قله ماجراجویی و فرهنگی در تاریخ معاصر کشورمان داریم که یکی از آنها انقلاب اسلامی است که از انقلاب مشروطه شروع شده تا

رسیده به انقلاب اسلامی ۵۷؛ یک نکته خیلی مهم در تاریخ معاصر کشورمان، قله دیگری، جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران است که تلاش همه‌جانبه مردم برای نگه‌داشتن وحدت را در پی داشت. اشاره به این دو قله هم از انگیزه‌های من در روایت می‌نار بود. می‌خواستم در این دوره زمانی از

نوشته شده و یک کلان‌پروژه ذهنی من است برای اینکه در سال‌های آینده هم بتوانم زبان اقلیت‌های کشورم باشم. این ویژگی انگیزه اصلی روایت می‌نار برای من بود. به نظر من، دو تا قله ماجراجویی و فرهنگی در تاریخ معاصر کشورمان داریم که یکی از آنها انقلاب اسلامی است که از انقلاب مشروطه شروع شده تا

رسیده به انقلاب اسلامی ۵۷؛ یک نکته خیلی مهم در تاریخ معاصر کشورمان، قله دیگری، جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران است که تلاش همه‌جانبه مردم برای نگه‌داشتن وحدت را در پی داشت. اشاره به این دو قله هم از انگیزه‌های من در روایت می‌نار بود. می‌خواستم در این دوره زمانی از



محمد اسماعیل حاجی علیان

متأسفانه هنوز ادبیات معاصر در دانشگاه‌های ما راه باز نکرده که امیدوارم ان شاءالله راه باز کند، زیرا مجامع علمی نقش بسیار مؤثری در بهبود کیفیت آثار خواهند داشت که این نقیصه اگر در کشورمان برطرف شود و دانشگاه به جای پرداختن به این حجم زیاد به ادبیات کهن، حجمی را هم به ادبیات معاصر اختصاص دهد به نظر خیلی به بهبود آثار ادبی کمک می‌کند.

■ نقش فعالیت‌های جنبی حوزه کتاب و کتابخوانی مانند برگزاری جلسات نقد و بررسی کتاب در محافل فرهنگی را چقدر در توسعه فرهنگ کتابخوانی مؤثر می‌دانید؟

تعداد آثاری که در طول یک سال چاپ



عواملی که می‌تواند باعث تقویت رمان و داستان ایرانی شود، گسترش فضای نقد سالم و بدون غرض‌ورزی است؛ ما با کمبود نقد علمی مواجه ایم و یکی از نمودهایش کاهش چاپ آثار در حوزه نقد ادبی است.

روانه بازار کتاب می‌شود، قابل توجه و تعداد کتاب‌ها واقعاً زیاد است و مخاطب در سال‌های مختلف که این کتاب‌ها چاپ می‌شود و در کنار هم قرار می‌گیرد با انبوهی از انتخاب و گستره وسیع آن مواجه است اما آیا مخاطب فرصت می‌کند همه علاقه‌مندی‌هایش را، همه آثار را بتواند بخواند و از بین انبوه این آثار کتاب مورد علاقه خود را انتخاب کند؟ به طور قطع نه. یقیناً با این حجم سریع زندگی‌های شهری ما امکان پذیر نیست. پس بنابراین، نیازمند ابزارهایی برای معرفی بهتر نویسنده‌ها و آثارشان هستیم. محفل‌های ادبی و جلسات مرتبط با معرفی یا نقد و بررسی کتاب می‌تواند به عنوان یکی از کمک‌کننده‌ها به فرایند انتخاب مخاطب باشد برای اینکه بتواند انتخاب بهتری داشته باشد از

انتشارات «آموت» روانه بازار کتاب کرده‌ام که به عملکرد ارانمه ایران در رویدادش به ایران از دوره صفویه اشاره دارد و به اتفاقاتی که در کمک به فرهنگ و هنر این سرزمین انجام داده‌اند می‌پردازد. کاری در آن حوزه انجام شد و از آن زمان خیلی دوست داشتم راجع به اتفاق‌های معاصر ارانمه ایران هم یک اثری به واسطه اینکه به عقیده شخصی و علاقه‌مندی من به این شکل وحدت همه ایرانی‌های عزیز در کنار هم و برای هم می‌توانند زندگی خوش و سالم و سلامتی داشته باشند و اینکه در این سال‌ها زحمات زیادی کشیده شده برای اینکه این وحدت زیر پرچم این نام وطن اتفاق بیفتد، در این اثرم داشته باشم. بنابراین، «می‌نار» اولین کار

عقیده من این است که در دانشگاه‌ها باید بحث نقد جدی‌تر بیگردد، چون

عقیده من این است که در دانشگاه‌ها باید بحث نقد جدی‌تر بیگردد، چون

عقیده من این است که در دانشگاه‌ها باید بحث نقد جدی‌تر بیگردد، چون

این گزینه‌هایی که در اختیارش است. بنابراین جلسات و محافل نقد و بررسی کتاب که به توسعه فرهنگ کتاب و کتابخوانی در جامعه کمک می‌کند بسیار مفید و لازم و ضروری است.

■ اگر بخواهیم ظرفیت‌های بازار کتاب ایران برای رونق و پویایی بیشتر در این صنعت فرهنگی را برشماریم، شما به چه مواردی اشاره می‌کنید؟

برخلاف برخی دوستان که عقیده دارند جامعه ایرانی کتاب نمی‌خواند، من معتقدم که جامعه ایرانی اتفاقاً جامعه کتابخوانی است؛ برای کتاب ارزش قائل است و از گذشته کهن‌اش تا به امروز برای کتاب و کتابخوانی ارزش قائل است، اما مسأله اصلی در عدم معرفی درست آثار به این مخاطبان است. به نظرم ناشران و صنعت نشر اگر اقدامات مناسبی برای معرفی بهتر آثار داشته باشند، بیشترین توفیق را در این زمینه خواهند داشت. ضمن اینکه ناگفته نماند مباحث اقتصادی نشر به واسطه افزایش قیمت کاغذ و فرایند چاپ و نشر نویسنده‌ها را هم مثل قشر کتابخوان جامعه دچار مشکل کرده است. این معضل نیازمند سیاست‌گذاری سیاستگذاران کلان کشور است تا تمام تلاش‌شان را بکنند که سبب ادبایی حذف یا کمرنگ نشود. من معتقدم کتاب سبب دانایی خانواده‌هاست. جایگاه این کالای فرهنگی باید در سبب خانوارها حفظ شود و حتی افزایش پیدا کند، چون به واسطه آن، خردورزی در جامعه

افزایش پیدا می‌کند و نتایج بسیار مثبتی هم در زمینه فردی و هم زمینه‌های اجتماعی حاصل می‌شود.

■ چه توصیه‌های برای تقویت جایگاه رمان و داستان ایرانی دارید و به نظر شما کدام راهکارها می‌توانند به بهبود این وضعیت کمک‌کنند؟

عواملی که می‌تواند باعث تقویت رمان و داستان ایرانی شود، گسترش فضای نقد سالم و بدون غرض‌ورزی است؛ ما با کمبود نقد علمی مواجه ایم و یکی از نمودهایش کاهش چاپ آثار در حوزه نقد ادبی است. در میان نامزدهای جایزه جلال هم اگر نگاه کنیم، می‌بینیم که از نظر کمّی، تعداد کتاب‌ها در حوزه نقد ادبی کاهش زیادی داشته است. دانشگاه‌هایمان باید رویکرد

به ادبیات کهن را تعدیل کنند و بیشتر به ادبیات معاصر بپردازند. بسیاری از دانشگاه‌ها در کشور ما که باید دارای کرسی‌های نقد ادبیات معاصر باشند هنوز داستان معاصر ایرانی را قبول ندارند و فقط به ادبیات کهن می‌پردازند. استادان دانشگاهی باید داستان معاصر ایرانی را بخوانند و قضاوت کنند، حتی منظوم ادبیات ۵۰ سال پیش هم نیست، من از ادبیات سال‌های اخیر صحبت می‌کنم، نسل‌های چهارم، پنجم و ششم داستان‌نویسی گویا هنوز این اجازه را پیدا نکرده‌اند که مورد نقد و بررسی استادان دانشگاهی در رشته ادبیات فارسی قرار بگیرند.

■ در آخر از آثار در دست‌تالیف و زیر چاپ خود بگویید.

سه رمان را تمام شده دارم که در این سال‌ها نوشته‌ام. آخری‌اش هم کار امسال است که آماده نشر شده و منتظرم در سال‌های آینده یکی یکی با ناشران مختلف بتوانم به نتیجه برسم و راهی بازار کتاب بکنم. یکی از آنها که خیلی دغدغه‌ام است که زودتر منتشر شود، رمان «بیدار» است که هنوز منتشر نشده و دو اثر اجتماعی دارم که در ادامه رمان «پاپیلو» است. من رمان پاپیلو را سال ۱۳۹۹ با انتشارات ققنوس منتشر کرده‌ام که یک اثر سه‌گانه است و حالا دو اثر جدیدم با عناوین «تب موز» و «چریکه روزان» ادامه آن محسوب می‌شود که در سال‌های آینده راهی بازار کتاب خواهد شد. الان هم در حال آماده کردن مراحل تحقیقات یکی از کارهای جدیدم هستم که ماجراهای آن در دوران مشروطه اصفهان اتفاق می‌افتد. عنوانی که تا الان برای آن انتخاب کرده‌ام، «می‌سیراد» است. این اثر به روایت پنج زن در دوران مشروطه اصفهان می‌پردازد و ماجراهایی مانند مشروطه اصفهان، قرارداد رژی و تبعات آن و مبارزات مردمی برای لغو این قرارداد و فتح اصفهان توسط ارتش بختیارلی. این رمان بخش‌های مختلفی دارد که پنج زن از پنج قومیت مختلف هر کدام روایت خود را دارند. به بیان دیگر، هر شخصیت زن در این داستان نماینده یکی از اقوام و ادیان است که در آن زمان در اصفهان زندگی می‌کردند و در رویدادهای آن دوره نقش داشته‌اند. تحقیقات اولیه برای نگارش این رمان به مراحل پایانی رسیده و از سال آینده نوشتن آن را شروع می‌کنم.